راه راه

ضمیمه هفتگی طنز راه راه
سه‌شنبه‌ها و پنجشنبه‌ها بخوانید

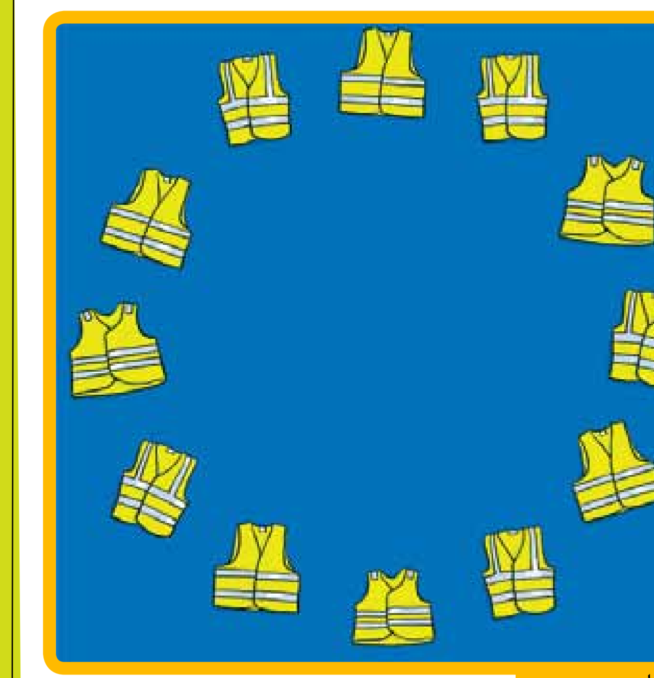

هاچ رایجر

سیدیاسر مرتضوی

بقیه حرف حرف بقیه

صالحی: «گرانی غوغا می‌کند. حقوقم ۳هزار دلار بود، الان شده ۷۰۰دلار»

قاضی‌زاده هاشمی: گرانی دردآور شده. حقوقم سه‌تا فوق‌تخصص بود، الان شده یک ماساژور سیار!

زنگنه: گرانی فوران می‌کند. حقوقم سه‌هزار بشکه نفت بود، الان شده یک پیت ۲۰ لیتری با نیم متر شیلنگ!

جهانگیری: نرخ گرانی لحظه‌ای تغییر می‌کند. حقوقم دختر مظلوم وزیر بود، الان شده حق برکناری منشی!

شریعتمداری: گرانی ترمز بریده است. حقوقم ده‌تا پراید بود، الان شده یک پراید بدون زه‌بغل!

جهرمی: گرانی نامحدود شده است. حقوقم شبکه ملی اطلاعات بود، الان شده تلگرام طلایی!

آخوندی: گرانی آسمانخراش شده. حقوقم مسکن مهر بود، الان شده وام مسکن اولی!

صالحی(وزیرارشاد): گرانی هورور (وحشتناک) شده. حقوقم خسرو شکیبایی بود، الان شده مهناز افشار!

ابتکار: گرانی از دیوار معیشت بالا رفته. حقوقم یورو ۵ بود، الان شده ۵ یورو!

ظریف: گرانی تضمین است. حقوقم ۱+۵ بود، الان شده مشاور وزیرخارجه جیبوتی!

سلطانی‌فر: گرانی تهاجمی شده. حقوقم تختی بود، الان شده بهنام بانی!

لاریجانی: گرانی تصویب شد. حقوقم ۱۰نفر تعیین‌کننده رای بود، الان شده راهروهای مجمع تشخیص مصلحت!

امین شفیعی

وعده افزایش حقوق کارمندان در ۱۱ مرحله، تحویل در محل!

مگس نَره توش

مریم عینعلی

مرحله اول: تصمیم
یکی از سخت ترین کارها، تصمیم برای وعده افزایش حقوق کارمندان است. چون افزایش حقوق کارمند بر تمامی زوایا و خفایا و زیر و بم و گوشه و کنار و بالا و پایین و چپ و راست و خلاصه هرجای مملکت که فکرش را بکنید تاثیر می‌گذارد. آن هم تاثیر منفی! با وجود این که تورم، فاصله بین درآمد و هزینه‌هاست و قاعدتاً باید افزایش درآمد عمومی، کاهش تورم را به دنبال داشته باشد، در میان دهان باز اقتصاددانان متعجب، همواره افزایش حقوق، افزایش نرخ تورم را به دنبال داشته است! در میان همان دهان باز اقتصاددانان، بیکاری نیز که با وجود افزایش تورم، باید کاهش بیابد، افزایش می‌یابد! بی‌ادب! همینطور که دهان اقتصاددانان از فرط تعجب باز است، ضریب جینی هم که بازهم باید با افزایش حقوق کاهش یابد، به طرز مرموزانه و مارمولکانه‌ای افزایش می‌یابد. البته در این مقال مجال آن نیست که بررسی کنیم چرا افزایش حقوق، چنین رفتار زشت و کثیفی از خودش نشان می‌دهد، اما امیدواریم دهان اقتصاددانان تا پایان این متن، رگ به رگ نشود!

مرحله دوم: افزایش قیمت‌ها به دلیل تصمیم افزایش حقوق کارمندان
از آن جایی که افزایش حقوق کارمندان، سرریزشدن این قشر محترم در بازارها را به دنبال خواهدداشت؛ توهم تقاضا در بازار به شدت افزایش می‌یابد. ولی اقتصاددانان هنوز در عجبند که چطور می‌شود با افزایش ۱۰۰ هزار تومانی حقوق کارمند، تقاضا در بازار -از نان و لبنیات گرفته تا الماس و کیک زرد- افزایش یابد و البته دهانشان همچنان باز است! اما به هر حال کارمندان چنین موجوداتی هستند. عجیب‌تر و دهان بازکننده‌تر اینکه وقتی سه چهار راه اول را به سمت بازار رد می‌کنند، عین آن ۱۰۰هزار تومان افزایش حقوق، درون جیب متکدیان زحمت‌کش و خدوم قرارخواهدگرفت. خُب بازار باید خودش را برای این افزایش تقاضا آماده کند که خدای نکرده با بحران مواجه نشود. از این رو با شنیدن خبر تصمیم افزایش حقوق کارکنان، سریعا واکنش خودش را نشان داده، قیمت‌ها را بالا می‌برد.

مرحله سوم: گرانی ارز
در همین هیر و ویر، نرخ دلار گران می‌شود و از آن جایی که همه چیز به نرخ ارز مربوط است، باید همه‌چیز را گران کرد. اقتصاددانان متحیر مذکور، در گِل و لای تعجب مانده‌اند که آبگوشت بزباش دیگر چه ربطی به نرخ ارز دارد که گران بشود؟ همینطور که دهانشان از تعجب باز است، یک دست دیزی هم می‌زنند تا مرحله چهارم!

مرحله چهارم: ارزانی ارز
که گفته بازار به ارز مربوط است؟ هرکسی مرحله سه را گفته بی‌جا کرده! دهان اقتصاددانان چرا باز است؟! همه خریدار ارز هستند! و نرخ ارز سروته کرده با مُخ به سمت پایین می‌آید ولی هیچ چیز ارزان نمی‌شود. همان دیزی که خوردید هم سود کردید!

مرحله پنجم: امسال که گذشت، ان شاء الله سال بعد حقوق کارمندان افزایش می‌یابد
مرحله خاصی نیست. در این مرحله تصمیم گرفته می‌شود که برای تصمیم گرفته‌شده در مرحله اول، یک تصمیم جدی گرفته شود. منتها چون یک قانون نانوشته هست که باید هرکاری را یا از شنبه شروع کرد یا اول ماه یا اول سال یا اول دهه یا اول قرن یا... پس بهتر است این افزایش حقوق را بگذارند اول سال که قشنگ و رُند و اینها بشود.

مرحله ششم: تکرار مرحله دوم
وقتی تصمیم برای افزایش حقوق کارمندان خطر افزایش تقاضا در بازار را به دنبال دارد، ببین تصمیم برای افزایش آن، چه خطراتی را به دنبال خواهد داشت! دهانت را هم ببند رگ به رگ نشود تا مرحله آخر کلی مونده!

مرحله هفتم: افزایش قیمت‌ها
شاید فکر کنید این همان مرحله دو یا شِش است که خُب کاملاً اشتباه می‌کنید! این مرحله هفت است!

مرحله هشتم: زنونَاوینِ!
این مرحله اصلاً مهم نیست ولی خیلی تأثیرگذاراست! یکی از اقتصاددانان که فکش خسته شده، در یک اقدام ناگهانی می‌پرسد: آخه چرا! و مسئول مربوطه با لبخند می‌گوید: «زنونَاوین» یک «هه» و چند صدای دیگر...

مرحله نهم: شب یلدا!
طبیعی است که فرارسیدن این شب کُهن، که در سنت‌های ما ایرانیان جایگاه ویژه‌ای دارد، همه را روانه بازارها می‌کند و بازار به این اتفاق طبیعی، واکنش طبیعی نشان داده، قیمت‌ها افزایش می‌یابد. آن قدر واضح است که حتی دهان اقتصاددانان هم باز نمی‌ماند!

مرحله دهم: شب عید
رجوع کنید به مرحله نهم!

مرحله یازدهم: اقدام به افزایش حقوق
شب بدبختی، شب عزای هیات دولت، شب وای چه کنم وای چه کنم، شب تخلیه خزائن بانکی، شب سیاه، شب سرد، شبی که ماه را توان تابیدن نیست، شب تراویدن مهتاب، شب درخشیدن شب تاب، شبی که شب عشق نیست و قصه درد را برای فردا نمی‌گذاریم. شب مهتاب هم نیست و نه طبیب‌مان را می‌خواهیم نه رقیب‌مان و نه هیچ‌مان را... ول‌مان کنید، ای بابا!

مرحله آخر: واکنش طبیعی بازار به افزایش حقوق
لابد توقع دارید حالا که حقوقتان زیاد شده، قیمت ها ثابت بماند؟ نه عمو! این حرف‌ها نیست! خیلی هم اگر ادعایت می‌شود، پشت چهار سوق کوچیک بازار منتظرت هستم! دهانت را هم ببند، مگس نره توش!

سارا شایسته

راه راه

گزارش مراسم روز دانشجو در یکی از شهرهای ایران با حضور یکی از مسئولین

ول کُنِ چی، اتصالی کرده!

بنده نماینده اتحادیه جامعه انجمن سازمان دانشجویان هستم ولی امروز می‌خواهم به عنوان فرزندی از فرزندان همین معلمان، کارگران، معدنچیان...
(آقای مسئول دلتنگ عراقچی می‌شود و به او پیامک می‌دهد: امشب به یاد اکبر بیا اکبرجوجه می‌زنیم مهمون من، حرفم نباشه!)
...رانندگان و لبوفروشان میهنم...
(در حالیکه لبهایش را غنچه می‌کند میگوید: لبووو... لبووو... و دلش غنج می‌رود)
...که شناسنامه و کارت دانشجویی دارند...
(جمعیت سوت و کف میزند)
...چه تفاوتی بین آنهایی که پای این انقلاب با هفتصدهزارتومان حقوق ایستاده‌اند با صاحبان فیشهای نجومی...
(دست در جیب می‌کند و صورتحساب هفتصدهزارتومانی شام دیشب را زیر میز می‌اندازد)
...دزد بیت‌المال را ذخیره انقلاب نامیده...
(پیامک عراقچی روی صفحه می‌آید: داریم با تخت‌روانچی و کرباسچی فیلم‌هندی می‌بینیم، سوز به دلت! -ایموجی زبون درازی-)
...اگر پرداخت یارانه مصیبت عظمی است، تکرار می‌کنم...
(در دلش تکرار می‌کند: بدم بکننش تو گونی)
... قطاری که روی ریل بی تدبیری در حال حرکت ...
(آرنجش را در پهلوی بغل دستی‌اش فرو می‌برد: یادت باشه درس دهقان فداکار رو هم مثل حسین فهمیده از کتاب درسی حذف کنیم)
...که مسافران قطار بیمه بوده‌اند ...
(برای دومین بار آرنجش را در پهلوی بغل دستی فرو می‌برد و میگوید: این اسمش چی بود؟)
... مردم پول بیمه را به شما باز می‌گردانند، امااشک‌هایشان...
(اشک در چشمانش جمع شده، به عکس سه نفری عراقچی و تخت‌روانچی و کرباسچی در حال لیسیدن آبنبات قیچی نگاه می‌کند و ریپلای می‌زند: کوفتتون بشه‌مفت‌خورا -ایموجی عصبانی + ایموجی اشک دار-)
... و اما برجام که برایمان آبنبات قیچی هم...
(میکروفن را روشن می‌کند و وُیس می‌فرستد: ...)

محمدحسین مهدویان

حیفِ موشک برای حیفا!!

حیف موشک برای حیفا نیست؟
میرود چون به باد با پُف ما

یعنی اصلا تمام اسرائیل
می‌شود غرق داخل تف ما

تورقوز آباد را که لو دادند
صنعت هسته‌ای ما ترکید

چرت و پرت نتانیاهو بود
عامل اصلی توقف ما

در یمن قتل عام شد اما
این بشر یک کلام حرف نزد

تا در ایران سگی سقط شد، گفت:
هست این مایه تاسف ما

در همین چند سال آینده
با همین قاسم سلیمانی

در فلسطین تمام شهرک‌ها
در می‌آیند در تصرف ما

حرف‌ها و نکات ارزشمند
داخل شعر ما فراوان است

البته قافیه کمی سخت است
و شده باعث تکلف ما

پس عوض می‌کنیم قافیه را
شعرم از انتقاد پر شده است

خفه شد شعر توی این خفقان
قافیه بعد از این ترور شده است

داعش و طالبان که جای خودش
تازگی‌ها همین سعودی نیز

سر بریدن نکرده ارضایش
پا و انگشت و گوش بُر شده است

در همان کشوری که حکامش
بس که با فهم و با کمالاتند

سال‌ها هی به شکل موروثی
شتری وارث شتر شده است

یک نفر مفت می‌خورد آن‌ور
یک نفر تیر می‌خورد این‌ور

پهن شد سفره حقوق بشر
کل دنیا بخور بخور شده است

مثلا پادشاه آل‌سعود
بچگی عین مارمولک بود

مردک لاشخور صفت حالا
هیکلش مثل دایناسور شده است

کاش دنیای ما ری‌ست بشود
زندگی‌مان پر از ارور شده است

نرجس‌سادات یزدگردی

چگونه از انقراض گونه‌های نادر جلوگیری کنیم؟

گونه انسانی مهاجر

گونه‌ای است از شاخه خانه به دوشان؛ این گونه تنها بومی طبقه نسبتا ضعیف جامعه است. فصل مهاجرت این گونه همزمان با افزایش اجاره بها، ازدواج بچه صاحب خانه، افزایش تورم و کافی نبودن حقوق بازنشستگی مالک گزارش شده است. سازمان سیاست‌گذاری مربوطه برای جلوگیری از انقراض این گونه، راهکارهای زیر را ارائه داد.

۱- مشکل مسکن بخصوص برای گونه انسان‌های مستاجر: آن خانه به دوشان خودشون غم سیلاب ندارند ما چرا داشته باشیم خب؟

۲-گرانی مصالح: بابا مگه بچگیاتون خونه نساختید؟ چطور ممکنه؟ سر وته مصالح دوتا بالش و یک صندلی و یک چادره دیگه؛ سخت نگیرید.

۳-تعطیلی ساخت مسکن(سازمان اعلام کرد به پنج سال دیگر برای همفکری نیاز دارد پس عجالتا ارجاع به راهکار اول).

۴-مهاجرت‌های مکرر: داریم طبق ذات تنوع‌طلبیتون عمل می‌کنیم. بعد هی بگید ما بدیم!

لازم به ذکر است سازمان پس از ارائه راهکار، فرم مرخصی طولانی را پر کرده و هم اکنون در دشت‌های زیبای جنوب شهر مشغول تماشای کوچ پرندگان مهاجر و انسان‌های مستاجر به اطراف شهر می‌باشد.

فاطمه جواهری

طرح دورزنی!

طرح ممنوعیت انتصاب اقوام درجه یک و دو مسئولان به مشاغل دولتی، در مجلس تدوین شده است. عده ای در تلاشند این طرح به تصویب نرسد. البته عده ای هم در فکرند که چطور این طرح را دور بزنند. برای این عده اخیر، به چند مورد راه دور زدن قانون مذکور اشاره می‌کنیم.

شناسنامه‌المثنی
بعضی از مسئولان برای اینکه فرزندشان از خدمت به مردم جا نماند، فامیل خودشان یا فامیل فرزندشان را عوض می کنند. در این صورت، هیچ وقت شامل این طرح ممنوعیت انتصابات اقوام درجه یک و دو نمی شوند و هر کجا بخواهند می توانند اقوام شان را از درجه یک تا هرچندتا استخدام کنند.

حق‌الزحمه
اصلاً بعضی مسئولان نیازی به انتصاب رسمی اقوام خود ندارند و می توانند اقوامشان را در هر جا که می‌خواهند به صورت قراردادی به کار بگیرند. یعنی حقوق یک فرد رسمی را به یک فرد قراردادی بدهند. اینطوری نه سیخ می‌سوزد نه کباب! نه قانونی دور زده شده و نه اقوام بیکار می‌مانند!

آلزایمر
بعضی از مسئولان ممکن است برای مدتی دچار آلزایمر شوند. یعنی خودجوش به دکتر مراجعه کرده و به دکتر می گویند من را آلزایمری کن! دفترچه بیمه شان را هم می دهند تا دکتر برایشان قرص تجویز کند تا اگر مجلس این طرح را به تصویب رساند و نظارت ها شروع شد، دفترچه بیمه را نشان بدهند و از هرگونه نسبتی با هرکسی اظهار بی‌اطلاعی کنند. در عین حال، هر قوم و خویشی را که دوست داشتند، استخدام کنند.

محمد کوره‌پز

پیچ مشکلات بانکی!

سلام. من در یک بانک ایرانی در هامبورگ کار می‌کنم. شرکت مخابرات آلمان خطوط تلفن و اینترنت بانک‌های ایرانی مستقر در این کشور را قطع کرده. کاملا بی‌دلیل. با شرکت‌شان تماس گرفتیم، می‌گویند از ترس تحریم‌های آمریکاست و تازه آمریکا هم تشکر کرده. لطفا راهنمایی کنید چه کار کنیم؟

پاسخ‌های مردم
+ عیبی نداره. شما هم برای انتقام وام ۵ میلیونی با بهره ۲۴ درصد با سه ضامن معتبر بدین به آلمانیابخندیم.
+ برو تو آپشن آلمان، تیک MOKHLESE USA رو بردار، درست میشه.
+ اینترنت قطع شده؟ ایرانی نیستی اگه نگی همین سوال رو چطور فرستادی!
+ برو خدا رو شکر کن قطع فاحش نشده. اون وقت چیکار می‌خواستی بکنی.
+ داداش من یه چک از جان کری دارم. الان امضاش تضمینه؟ بیام بگیرم؟
+ بی‌دلیل؟ زنگ بزن علی مطهری یه دلایلی برات میاره به عقل جن هم نمی‌رسه. منم اولش باورم نمی‌شد.
+ حالا که نت ندارین بشینین دورهم برا ارشد بخونین، به خدا تو همون آلمان پذیرش می‌گیرین.
+ چهار تا حرف انگلیسی بزارید کنار هم ۲۰ دقیقه‌ای تصویب کنید، حله. مثلا اخ تف اف تی.
+ حالا اگه اعلیحضرت زنده بود، همه آلمان رو می‌خرید می‌انداخت تو تنور.

دانشجوهای برخی از رشته ها را بیشتر بشناسیم!

لگدنامه دانشجویی

رسول شاکرین

دانشجوی ادبیات
یک عدد دانشجوی خسته که نه دل خوشی از سیاستمداران دارد و نه دل خوشی از زمانه. بعضی از آن‌ها همواره در بوستان کنار دانشکده، به مجسمه فردوسی خیره شده‌اند و کلاه نقاب‌دار و پالتوی بلند از شاخصه مهم شناسایی آن‌هاست. اکثر آن‌ها در فکر نگار پریشان زلفی هستند که قرار است یک عمر برایشان عاشقانه بسراید، اما این نگار هیچوقت جزوه‌هایش نمی‌ریزد.

دانشجوی تاریخ
درست است که این گونه از دانشجو، همواره تاریخ می خواند، ولی قرار نیست تاریخ تولد سوگلی دویست و یکم فتحعلی‌شاه را بداند! مسخره‌ترین شوخی‌ای که می‌توان با این گونه دانشجو کرد این است که از وی بپرسید: «راستی فلانی، امروز چندمه؟ مگه تو تاریخ نخوندی؟ هارهارهار!».

دانشجوی فلسفه
این دانشجویان معمولا پنج تاریخ تولد دارند، یکی که تاریخ تولد شناسنامه‌ای آن‌هاست، یکی سال اول دانشگاه، یکی که تاریخ دوم، دیگری سال سوم و آخرین تولدشان مربوط به سال چهارم دانشگاه است! نرخ اعجاب و حیرت در میان این دانشجویان بسیار بالا بوده و بیماری معروفی به نام حیرتیسم در این گونه فراگیر است. در پایان چهارسال، یا این گونه لباس‌دران از دانشگاه خلاص می‌شوند یا دانشگاه از حیرت آن‌ها، جامه دران می‌شود!

دانشجوی پیراپزشکی
گونه‌ای دیگر از دانشجوی مشغول به تحصیل در دانشگاه علوم پزشکی که پیتزا پیراشکی معرب اسم اوست، به دلیل این که وی نمی‌خواهد به سرنوشت آن پنج هزار نفر معروف بپیوندد، به فروش پیتزا پیراشکی رو می‌آورد.

دانشجوی مهندسی عمران
نصف عمر این موجود هم صرف این می‌شود که به همه ثابت کند سقوط پلاسکو و نوسان قیمت شن و سیمان ربطی به او ندارد. این موجود هیچ دل خوشی از درس مقاومت مصالح نداشته و در پایان قرابت عجیبی بین خودش و کار فرهنگی در دانشگاه می‌بینند

دانشجوی مهندسی برق
نصف عمر این موجود، صرف این می‌شود که ثابت کند کارش وصل کردن پریز و کلید برق نیست و کارهای مهمتر از این‌ها از او برمی‌آید. معمولاً افراد با موی فرفری بیشتر در این رشته دیده می‌شوند!

دانشجوی حقوق
دانشجویی که مفهوم انتزاعی کلاه فارغ التحصیلی را به ذهن متبادر می‌کند. خیلی از علوم انسانی‌ها می‌توانستند این رشته را بخوانند ولی به خاطر آلرژی به دادگاه و دادسرا این درس را نخوانده‌اند. وی باید همواره به دوروبری‌هایش راه‌های گرفتن طلب یا فرار از بدهکاری را با استناد به قانون مدنی، آموزش دهد.

دانشجوی پزشکی
انسان ستمدیده‌ای است که بسیار درس می‌خواند تا دانشگاه علوم پزشکی قبول شود، وی بعد از قبول شدن، میان برزخ وزارت علوم و وزارت بهداشت گیر کرده، ضمن این که از فلان دوستش که در دانشگاه آزاد، آبیاری گیاهان دریایی خوانده عقب می‌ماند، در آخر هم به همان پنج هزار پزشک بیکار معروف می‌پیوندد.

دانشجوی دامپزشکی
یک عدد دانشجوی خسته که از انسان‌ها دل خوشی ندارد، بهترین تفریح او این است که بگوید پزشکم و وقتی که یکی از او درخواست معاینه کرد، رو کند که دامپزشک است!

فاطمه غنی

جان ما جان اونا

ترامپ با انتشار یک توییت از خود تشکر و قدردانی کرد و بار دیگر در صدر اخبار قرار گرفت. برخی کارشناسان IT گفته اند: وی در پی نوشتی که برای عده معدودی نمایش داده می‌شد، افزود: چرا ملت من برایم هشتگ «مچکریم» ترند نمی‌کنند؟ (دوتا سیمبل گریه) که حسادت آشکارش را نسبت به رئیس جمهور ایران نشان می‌داد.
روانشناسان عقیده دارند این حرکات وی ریشه در عقده‌های کودکی‌اش داشته است و گفته شده: بروید خدایتان را شکر کنید، که با یک توییت تمامش کرده و برای خودش مرخصی تشویقی، لوح تقدیر یا مدال افتخار نزده است.
به گزارش یک منبع آگاه، هفته گذشته نیز روان پزشک خانوادگی ترامپ که اتفاقا خواست نامش فاش شود، از بخشی از این عقده‌های درونی پرده برداشت. وی گفت: بااینکه والدینش نامش را دونالدجان گذاشتند، تا برایش احترام زوری بخرند، اما همه بچه محل ها او را هوی دونالد، کلّه خر، هی دونی و... صدا می‌زدند. او که در طول روز تنش‌های زیادی را متحمل می‌شد، شب هنگام سعی در جبران این کمبودها داشت و در خواب از خود به خاطر تمام پاس گل هایی که اشتباهاً به سمت دروازه خودی می‌داد، تشکر می‌کرد، تا تمام «شِتا! خاک تو هدِت کلّه زرد»! را فراموش کند. اما وقتی فریاد می‌زد تنکس دونالدجان و از خواب می‌پرید، با نوای شات آپ جان! که از جای جای کاخشان به گوش می‌رسید، دوباره به خواب می‌رفت.
گفته می‌شود این عادت بد هنوز در وی باقی مانده و علت اصلی جدایی همسرانش از او نیز همین بوده است.

فاطمه سادات محمودیان

الزامات ساخت یک گفت‌وگوی تلویزیونی

برنامه به مقدار لازم

- کلیات
نام برنامه: نام برنامه حتماً باید هم‌نام با یکی از برنامه‌های آنوری باشد، البته با رعایت احترام. مثلاً در اسم برنامه نباید از ضمیر "تو" استفاده شود، عیب است، زشت است، قباحت دارد حتی! باید بگویید: شما
مدت زمان برنامه: این بازه خیلی خیلی باز بوده و بستگی به تعدد نسبت‌های فامیلی گروه برنامه‌ساز با مسئولین در مقیاس فامیل بر ثانیه، قطر دُم تهیه کننده و تعداد قلب و بوس و لاو زیر عکس فیتنس مجری دارد.

- اهداف
- تسویه حساب مالی بدهی‌های تهیه کننده در پروژه‌قبلی سینمایی‌اش
- تسویه حساب غیرمالی با کسانی که در مورد موقعیت جغرافیای چشم و ابروی تیم برنامه‌ساز نظر داده‌اند

- ملزومات اجرایی
۱. مجری: به فردی گفته می‌شود که قادر به خریدن بیش از ۲۰ دست کت و شلوار در یک سال باشد.

شرایط ظاهری
- بینی عمل شده با کمترین شعاع سوراخ بینی
- ابروهای نازک برای آقایان و ابروهای ضخیم برای بانوان
- دور بازوی آقایان مساوی با دور کمر بانوان یابرعکس
- قابلیت باز کردن دهان تا خرتلاق جهت دهان‌دره با امکان قابل رؤیت بودن لرزش زبان کوچک
- فاقد ستون فقرات و عدم توانایی در صاف نشستن

معلومات
- آشنایی با انواع کلمات چاروادری
- تسلط کامل به زبان انگلیسی در حد "اوکی" و "اوه لَه لَه"

۲. اتاق فکر:
اتاق فکر به تیم محتوایی برنامه گفته می‌شود. این تیم متشکل از اعضای ثابت شامل: اسی سگ‌دست، هوشنگ جگر سوخته، فریبا تیزی، سیا پاشنه‌کش، و اعضای غیر ثابت شامل هر کسی که با مهمان مشکل شخصی دارد، است.

۳. تجهیزات:
- نور موضعی برای گرداندن بالای سر میهمان
- کابل برق برای میهمان‌هایی با مقاومت بالا
- گوشتکوب برقی
- جفت پا
- کف گرگی

۴. شورای عالی اعتذار(با مسئولیت خیلی خیلی محدود)
این بخش صرفاً جنبه تشریفاتی داشته و برای ادامه حیات برنامه مفید است. فعالیت شورای اعتذار بعد از پایان هر برنامه آغاز شده و شامل معذرت‌خواهی کتبی، معذرت‌خواهی شفاهی، معذرت‌خواهی با قابلیت تکذیب، معذرت‌خواهی همراه با زیرمیزی، معذرت‌خواهی خشک و... است.

راه راه
ضمیمه طنز راه راه
کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

سر دبیر: بهزاد توفیق فر
دبیر تحریریه: فروغ زال
دبیر سرویس شعر: زهرا فرقانی
دبیرسرویس کارتون: کامران یاری
دبیرفنی: امیرحسن محمدپور
صفحه بندی: مجتبی سالاری

با ما بتماسید!
رایانامه: info@rahrahtanz.ir
سروش: tanzym_ir
ایتا: tanzym_ir
بله: tanzym_ir